

و بلوچستان پنج نفر از نیروهای حافظ امنیت بومی به شهادت رسیدند. پیش‌تر هم در ۵ آبان ماه شاهد حادثهٔ تروریستی شهرستان قفتان بودیم که به شهادت ۱۰ نفر از نیروهای مرزبانی منجر شد. با توجه به اقتضانات خاص استان سیستان و بلوچستان به نظر می‌رسد که پارامترهای متعددی موجب تداوم عملیات‌های تروریستی در این استان شده است.

از این رو برای بررسی این عوامل و پارامترها به گفت‌وگویی با احسان هوشمند نشستیم تا از منظر این پژوهشگر ارشد حوزه اقوام، نگاهی عمیق‌تر به شرایط جاری استان سیستان و بلوچستان پس از روی کار آمدن دولت پزشکیان و انتصاب اولین استاندار اهل سنت بومی این استان داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل این گپ و گفت است.

جناب هوشمند تصور بر این بود که با روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان و مانور روی شعار وفاق ملی و همچنین اقداماتی مانند انتخاب اولین استاندار اهل سنت بومی سیستان و بلوچستان، شاهد بهبود وضعیت امنیتی این استان و کاهش حملات تروریستی باشیم.
اما در یک روند عکس، میزان و شدت حملات تروریستی و نیز تعداد شهدای آن رو به افزایش است. به واقع چه شد که آن تصورات و ارزیابی‌های مثبت فعلا جامه عمل به خود نگرفته است؟

پیش از پاسخ به پرسش باید توجه کنیم که عارضه امنیتی و انتظامی در کوتاه‌مدت شکل نگرفته و راه‌حل آن نیز به سادگی در دسترس نیست. اما پاسخ به این سؤال شما در دو حوزه کاملا جداگانه قرار دارد. حوزه اول به مسائل داخلی کشور و تحولات خود استان سیستان و بلوچستان بازمی‌گردد و حوزه دیگر، ناظر به مسائل منطقه‌ای است که به آن باید جداگانه پرداخت. درخصوص شرایط داخلی کشور و خود استان سیستان و بلوچستان، واقع امر این است که آنچه وضعیت جاری در استان را به وجود آورده ماحصل کنسار هم قراردادن موازنه نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طی دو، سه دهه اخیر و حتی پیش از آن است. چون ما از یک سو با مردم عادی خود استان سیستان و بلوچستان مواجهیم و از طرف دیگر با نیروهای نخبه این استان که شامل نیروهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظیر مولوی‌ها و سرداران و نیروهای فن‌سالار و بوروکرات و تحصیل‌کرده‌ها هستند. از طرف دیگر ما با نیروهای دولتی مانند نیروی انتظامی، سپاه و سایر ارگان‌ها طرف‌قیم. متأسفانه در فضایی که بعد از مهر ۱۴۰۱ شکل گرفت، به تدریج نوع مناسبات بین تمام این نیروها به شکل جدی دچار تلاطم شد. لذا همان زمان لازم بود که پرونده مربوط به مهر ۱۴۰۱ به شکلی قانون‌مند، روشن و شفاف و در عین حال قاطع از نظر حقوقی و قضائی به اطلاع افکار عمومی می‌رسید و مقصرین آن هم به شکل جدی مورد مجازات قرار می‌گرفتند، فارغ از اینکه در چه سطحی از مسئولیت قرار دارند تا به نوعی یک دلجویی عمومی از مردم سیستان و بلوچستان شکل بگیرد که این امر می‌توانست این تلاطم و تغییر مناسبات بین بخش‌های مختلف در استان سیستان و بلوچستان را تا حدودی ترمیم کند. همین روند سبب شد که شمار نیروهای ناراضی استان سیستان و بلوچستان که وارد نیروهای تروریستی مانند جیش‌العدل و نظایر آن می‌شدند، افزایش پیدا کند و این قدرت عمل و مانور گروه‌هایی مانند جیش‌العدل را تقویت کرد. همین افزایش قدرت عمل جیش‌العدل با آزادی عملی هم که در منطقه بلوچستان پاکستان داشتند، دوچندان شد. در کنار آن کمک‌های فرامنطقه‌ای از دیگر کشورهایی که ما اطلاع موثقی

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ به نوشته فارس و در پی حمله روز دوشنبه

واکاوی شرایط امنیتی استان سیستان و بلوچستان در پی تداوم حملات تروریستی در گفت وگو با احسان هوشمند

نباید به فوریت انتظار یک معجزه داشت

باید ترتیبات جدید امنیتی بین ایران و پاکستان تعریف کرد



از آنها نداریم هم مزید بر علت شد. قطعاً هر گروه تروریستی برای تأمین سلاح، تجهیزات و انجام عملیات به پول و بودجه نیاز دارد و بی‌شک این پول از داخل کشور تأمین نمی‌شود. همین مسئله سبب می‌شود که این نوع از سازمان‌ها و گروه‌ها از کمک‌های دیگر کشورها بهره‌مند شوند. در عین حال متأسفانه افزایش شکاف بین نیروهای اهل سنت سیستان و بلوچستان اعم از مولوی‌ها و سرداران و همچنین نیروهای تحصیل‌کرده و نخبه‌ای که اصطلاحاً نیروهای به‌روزتری هستند، وضعیت را تشدید کرد. لذا با روی کار آمدن دولت پزشکیان و مانور روی شعار وفاق ملی و همچنین انتخاب یک استاندار اهل سنت بومی سیستان و بلوچستان نباید به فوریت انتظار یک معجزه در این استان را داشته باشیم. به‌خصوص که دولت برنامه روشن و اعلامی مشخصی هم در این باره ندارد یا اعلام نکرده است.

با این بخش از گفته شما موافق کم نمی‌توان صرفاً با مانور روی شعار وفاق ملی و انتخاب استاندار اهل سنت و بومی به فوریت انتظار معجزه داشت.
اما این انتظار هم وجود نداشته که شاهد تشدید موج تروریسم در استان سیستان و بلوچستان باشیم. پس مشکل کجاست؟

ببینید وقتی از دولت آقای پزشکیان می‌گویم باید اذعان داشت که دولت چهاردهم هنوز یک بسته پیشنهادی جامع، هوشمند و واقع‌گرایانه، نه برای استان کردستان و نه برای استان سیستان و بلوچستان و نه دیگر مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته کشور ندارد؛ بسته پیشنهادی که به مثابه یک راه و یک برنامه‌ریزی منظم و تدوین‌شده عمل کند.

استان سیستان و بلوچستان و همچنین استان کردستان با معضلات و بحران‌های مختلف دست به گریبان است و عبور و خروج از این بحران‌ها هم واقعا نیازمند یک عزم جدی است. این عزم جدی در قالب تأمین بودجه‌ها و برنامه‌ها و هدف‌های اعلامی خود را نشان می‌دهد که

متأسفانه این مهم هنوز صورت نگرفته است.

کدامین جا توقف کنیم، همه چیز محدود به دولت پزشکیان است؟

قطعاً خیر. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند به بهبود وضعیت استان‌هایی مانند استان سیستان و بلوچستان کمک کند ناظر به تنظیم نوع روابط دولت و دیگر نهادهاست. یعنی باید سطحی از هم‌راهی و همکاری و همسویی سایر نهادها و ارگان‌ها با دولت شکل بگیرد. دولت به تنهایی فعال مایشا نیست، چون باید به این نکته مهم هم پرداخت که جنس و ماهیت گروه‌های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان کاملاً متفاوت از گروه‌های حاضر در بخش غربی کشور است. در همین راستا قطعاً نیروهای حاضر در سیستان و بلوچستان مانند سرداران و مولوی‌ها با جایگاه و نفوذی که در افکار عمومی و در میان طوایف بلوچستان دارند، می‌توانند فشاری روی این گروه‌های تروریستی بیاورند و حتی زمینه برای بازگشت این نیروها را از گروه‌های تروریستی فراهم کنند. اما فعلاً هیچ

مرز دست پیدا کند. متأسفانه در همین زمینه در سال‌های اخیر صرفاً شاهد رفت‌وآمدهای دیپلماتیک بین تهران و اسلام‌آباد هستیم، بدون آنکه یک توافق طرفینی جدی برای مبارزه با گروه‌های تروریستی در دستور کار قرار گیرد. ما می‌دانیم که دولت پاکستان واقعا اشراف زیادی روی منطقه بلوچستان این کشور ندارد و همچنین به این واقعیت هم اذعان داریم که جنبش آزادی‌بخش پاکستان و چند گروه تروریستی همسو با آن شکاف جدی با سیستم و ساختار و دولت کشور پاکستان پیدا کرده است

مرز دست پیدا کند. متأسفانه در همین زمینه در سال‌های اخیر صرفاً شاهد رفت‌وآمدهای دیپلماتیک بین تهران و اسلام‌آباد هستیم، بدون آنکه یک توافق طرفینی جدی برای مبارزه با گروه‌های تروریستی در دستور کار قرار گیرد. ما می‌دانیم که دولت پاکستان واقعا اشراف زیادی روی منطقه بلوچستان این کشور ندارد و همچنین به این واقعیت هم اذعان داریم که جنبش آزادی‌بخش پاکستان و چند گروه تروریستی همسو با آن شکاف جدی با سیستم و ساختار و دولت کشور پاکستان پیدا کرده است

که آخرین مورد آن به حمله انتحاری کوئته پاکستان بازمی‌گردد که حدود ۵۰ کشته و زخمی را به دنبال داشت. اما نکته اینجاست که آن گروه‌های حاضر در بلوچستان پاکستان برخلاف گروه‌های تروریستی حاضر در بلوچستان ایران مانند جیش‌العدل و… مذهبی نیستند. گروه‌های حاضر در بلوچستان پاکستان عموماً جریانات چپ و مارکسیستی و بلوچ‌گرا هستند. بنابراین باید به فوریت ترتیبات جدید امنیتی را در سایه سلسله مذاکرات دیپلماتیک جدی با مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی پاکستان پیش برد و طرفین به این توافق عملی دست پیدا کنند که هیچ‌کدام از دو کشور اجازه استفاده از خاک‌شان برای انجام عملیات‌های تروریستی از طریق گروه‌ها را نخواهند داد.

در کلام شما نوعی کلی‌گویی دیده می‌شود. واقعا احسان هوشمند در جزئیات چه پیشنهادهایی را می‌تواند مطرح کند؟

دولت ایران و پاکستان باید توافق‌نامه امنیتی جامعی را امضا کنند تا از فعالیت هر گروه تروریستی در خاک دو کشور جلوگیری کند و سؤال اینجاست که چرا این مهم تاکنون صورت نگرفته است؟ از منظر دیگری یکی از پیشنهادهای ملموس و جزئی من تقویت توان فناوری مرزداری در کشور است. متأسفانه مرزداری در کشور براساس نگاه سنتی در قالب احداث پاسگاه و برج‌های مرزی و کشیدن دیوار مرزی و سیم خاردار پی گرفته شده است. این نوع نگاه لزوماً برای طبیعت سخت سیستان‌وبلوچستان جواب‌گو نیست و این جدای از آثار و عوارض مخرب این نوع نگاه سنتی است.

منظورتان چه آثار مخربی است؟

برای مثال اینکه احتمال دارد بخشی از خاک کشورمان پشت دیوار مرزی قرار بگیرد. چون بخشی از دیوار مرزی عملاً در خاک خودمان احداث شده است و طبیعتاً بخشی از خاک ایران پشت این دیوار قرار می‌گیرد و این مسئله سبب شده است که اکنون طالبان اراضی ایران پشت دیوارهای مرزی را جزء خاک خود بدانند و حتی کشاورزان ایرانی را برای رسیدن به زمین‌های خود، هدف قرار داده‌اند. پس ما باید در حوزه مرزبانی و مرزداری یک تجدیدنظر اساسی انجام بدهیم و مرزبانی و مرزداری را با فناوری‌های روز تقویت کنیم. واقعا می‌توان از هوش مصنوعی و دیگر تکنولوژی‌هایی که نیازمند به‌کارگیری گسترده نیروی

شرق روزنامه

انسانی نیست، استفاده کرد و این مسئله باعث کنترل مرزها با کمترین هزینه و تلفات انسانی خواهد شد.
پیشنهاد عینی دیگر من تقویت روابط مردم دو سسوی کشور ایران و پاکستان است. واقع امر این است که مردم بلوچستان پاکستان علاقه شدیدی به مردم ایران دارند. بنابراین هرگونه اقدامی برای تقویت روابط مردم دو کشور به تقویت امنیت در استان سیستان‌وبلوچستان منجر می‌شود. به هر حال همان‌گونه که می‌دانیم، بلوچستان پاکستان از نظر شاخص‌های توسعه به‌مراتب پایین‌تر از بلوچستان ایران قرار دارد. تا جایی که حتی آرزو دارند به امکانات فعلی در استان سیستان‌وبلوچستان دست پیدا کنند و به این استان رفت‌وآمد کرده و از امکانات آن استفاده کنند، بنابراین اگر بتوانیم مبادلات مرزی هدفمند، نه قاچاق کالا را با مردم بلوچستان پاکستان داشته باشیم، به طریقی که مردم پاکستان بتوانند از قَبَل مرز به منافع تجاری و اقتصادی دست پیدا کنند، قاعدتاً به همان میزان در برابر ناامنی و فعالیت گروه‌های تروریستی وارد عمل می‌شوند و این نکته‌ای است که متأسفانه تا اکنون به شکل جدی به آن ورود نکرده‌ایم. موضوع دیگر دلجویی از مردم استان سیستان‌وبلوچستان طی سال‌ها و دهه‌های مختلف است که با ندانم‌کاری یا اتفاقات ناخواسته موجب رنجش آنان فراهم شده است. این مهم زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم استان سیستان‌وبلوچستان یک جامعه طایفه‌محور است و صدمه و آسیب به هر فردی به معنای جریحه‌دارشدن وجدان جمعی آن عشیره، طایفه و قوم و قبیله است، بنابراین باید با طوایف و سرداران و عشیره‌ها ارتباطات صمیمی و مستمری ایجاد کرد و دلجویی انجام شود.

موضوع دیگر نادیده‌گرفتن افکار عمومی است. متأسفانه در دولت‌های مختلف یک روند منفی شکل گرفته که افکار عمومی درباره آثار و تبعات مخرب فعالیت گروه‌های تروریستی در استانی مانند سیستان‌وبلوچستان به یک روشنگری نرسیده است. ما باید در صداوسیما در سطح ملی و استانی و رسانه‌های محلی و بومی به شکل مداوم و مستمر آثار و تبعات مخرب گروه‌های تروریستی و اقدامات مسلحانه بر توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تجاری در آن استان را بررسی و تحلیل کرده و حتی در‌باره آن مناظره و میزگرد برگزار کرده و کار کارشناسی انجام بدهیم. اما وقتی درباره پدیده تروریسم شاهد سکوت رسانه‌ها و نهادهای رسمی هستیم، طبیعتاً افکار عمومی در جریان جزئیات قرار نمی‌گیرد و درباره آن حساس نمی‌شود و آگاهی آنها ارتقا پیدا نمی‌کند. در نتیجه از قدرت مردم به اندازه کافی برای مهار و مبارزه با تروریسم استفاده نمی‌شود. نکته دیگر هم استفاده از اهالی بومی سیستان‌وبلوچستان در دیگر پست‌های دولتی است. ما باید شاهد آن باشیم که نیروهای اهل سنت سیستان‌وبلوچستان در دیگر نهادها و ارگان‌ها هم فعالیت کنند و در گوشه و کنار ایران از وطن دفاع کنند که این نگاه دو‌کارکرد مثبت دارد؛ اول اینکه مردم استان سیستان‌وبلوچستان هم در دفاع از ایران جان‌فدایی و فداکاری خواهند کرد که قطعاً به تقویت وفاق ملی و اتحاد درونی منجر می‌شود و از طرف دیگر این رویکرد نشانگر اعتماد سیستم و نظام به جامعه اهل سنت سیستان‌وبلوچستان است. استفاده از ظرفیت مولوی‌ها و رؤسای طوایف یعنی سرداران هم در این میانه باید مورد توجه قرار گیرد تا آنها بتوانند به اشکال مختلف از نفوذ خود برای بازگرداندن عناصر احزاب مسلح استفاده کنند و امان‌نامه برای آنها دریافت کنند. البته دولت هم مذاکره دراین‌باره را باید با گروه‌ها و نیز رؤسای طوایف و مولوی‌ها آغاز کند.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roumi, Tehran - Iran

